



بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی - 19 / بهمن / 1393

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

خوشامد عرض میکنم به برادران عزیز، مسئولان مشاغل بسیار حساس در بخش مهمی از نیروهای مسلح، یعنی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و پدافند. و این روز را که در واقع روز نیروی هوایی است، به همه‌ی شما، به همه‌ی کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و پدافند و به خانواده‌های شما تبریک عرض میکنم. از گروه سرود هم به خاطر اجرای خوبشان تشکر میکنیم.

مسئله‌ی نوزدهم بهمن که شما هر سال این روز را گرامی میدارید، فراتر از یادآوری یک خاطره‌ی شیرین است؛ بله، خاطره‌ی مهمی است، خاطره‌ی شیرینی است و جا دارد که این‌گونه خاطرات را انسان نگه دارد لکن قضیه از این فراتر است. حادثه‌ی نوزدهم بهمن، یک مضمون پرمغز و ماندگار است؛ یعنی این حادثه‌ای که اتفاق افتاد و جوانهای نیروی هوایی نظام پادشاهی پا شدند، آمدند با امام بیعت کردند، با آن وضوح، با آن شجاعت - که من حاضر بودم در آن مراسم؛ برخی از اینها، کارتهای شناسایی‌شان را بالای دست گرفته بودند و نشان میدادند - این یک معنایی دارد، یک مضمونی دارد، که آن مضمون را باید حفظ کرد؛ [این] یک وظیفه‌ی انقلابی است. آن مضمون چیست؟ آن این است که انقلاب، یک سخن حق و پرجاذبه‌ای بود که توانست دلها را - دلهای بی‌غرض و مرض را، دلهای آگاه و روشن را - در هر نقطه‌ای از کشور که بودند به سمت خود جذب کند؛ حتی در جایی مثل نیروی هوایی ارتش پادشاهی که نورچشمی و سوگلی دستگاه‌های حاکم آن روز، بلکه سوگلی آمریکا بود. با نیروی هوایی ارتش، آن روز مثل یک سوگلی رفتار میشد؛ هم آمریکایی‌ها، هم عوامل آنها در کشورمان - که متأسفانه در رأس امور قرار داشتند و حکومت دست آنها بود - این جوری با نیروی هوایی رفتار میکردند و برخورد میکردند. آن وقت همین نیروی هوایی، تحت تأثیر جاذبه‌ی حقیقت انقلاب، آن چنان به هیجان آمد که یک چنین کار بزرگی را انجام داد؛ یعنی در روز روشن، جلوی چشم این همه مأمور و در معرض تهدیدهای گوناگونی که آن روز وجود داشت، بلند شدند آمدند با امام در خیابان «ایران» بیعت کردند، سرود خواندند، ایستادند و کارتهای شناسایی‌شان را سر دستشان گرفتند. آن مضمون مهم این حادثه این است؛ جاذبه‌ی عجیب انقلاب، و آن حقیقتی که در درون انقلاب نهفته بود که دلها را به سمت خودش جذب میکرد؛ این را ما بایستی بشناسیم، بدانیم و حفظ کنیم.

علاوه بر کشور، در دنیا هم همین اتفاق افتاد. خب، این انقلاب، این توانایی را داشت که به تمام زوایای کشور نفوذ کند و حضور پیدا کند، یعنی مثلاً فرض کنید نه فقط در شهرها، در روستاها هم مردم بلند میشدند و از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر میرفتند و شعار میدادند؛ شعار به نفع امام و انقلاب، و علیه رژیم مستبد و دیکتاتور؛ این جور همه‌ی ملت به پا خاستند. علاوه بر این، در سطح جهان هم همین اتفاق افتاد - البته با نوعی تدریج - یعنی در همه‌ی جای دنیا؛ در آسیا، در اعماق آفریقا، حتی در آمریکای لاتین ملتها از اینکه یک ملتی پیدا شده است که این شجاعت را، این دلیری را دارد که در مقابل آمریکا بایستد و زورگویی آمریکا را علناً رد بکند، به هیجان می‌آمدند. خیلی‌ها با زحمت رادیوهای ایران را میگرفتند. من دیدم کسانی را که در کشورهای عربی بودند، و از بس رادیوی فارسی ایران را گوش کرده بودند، فارسی یاد گرفته بودند. این جاذبه است؛ جاذبه‌ی انقلاب است که دلها را - توده‌های مردم را، روشنفکران را، جوانان را، دانشگاهیان را - در همه‌ی جای دنیایی که تحت تأثیر شدید تبلیغات دشمن قرار نداشت، توانست به خودش جذب کند؛ این اتفاق در همه جا افتاد. اینکه ببینند یک ملتی در مقابل زورگویی می‌ایستد، ملتهایی را که خودشان در چالش زورگویی‌های آمریکا و قدرتهای غربی بودند، به هیجان می‌آورد؛ اینها را طرفدار میکرد؛ علاقه‌مند میکرد. این در همه جای - باید گفت - دنیای استضعاف؛ در آفریقا، در آسیا، در نقاط دوردست، در آمریکای لاتین، در همه جا تقریباً عمومیت داشت. این را ما کاملاً مطلع شدیم؛ افراد زیادی میرفتند، می‌آمدند و تأثیر انقلاب



و تأثیر نام امام را انسان بروشنی مشاهده میکرد.

خب، نقطه‌ی مقابل چه بود؟ نقطه‌ی مقابل، آن قدرتهایی بودند که این حرکت عظیم علیه آنها بود؛ در رأس آنها، دولت ایالات متحده‌ی آمریکا. اینها از اینکه یک چنین حرکت عظیم و رو به گسترشی، همه‌ی ملتهای تحت نفوذ اینها را دارد فرا میگیرد، بشدت برآشفته و متوحش بودند و وادار به عکس‌العمل شدند و عکس‌العمل‌های تند نشان دادند. اولین علاجه‌ی هم که به ذهنشان رسید، این بود که کانون را خاموش کنند؛ آن مرکزی، آن کانونی را که همه‌ی این هیجانها از آنجا برمیخیزد، این را خاموش کنند تا به‌طور طبیعی در جاهای دیگر، مسئله از بین برود. لذا هرچه توانستند فشار آوردند.

دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی از روز اول شروع شد؛ این را جوانها بدانند. هرچه توانستند انجام دادند؛ یعنی واقعا هیچ کاری که یک دولتی مثل آمریکا بتواند با یک ملتی، با یک کشوری بکند از لحاظ نظامی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ امنیتی، از لحاظ ارتباطات فرهنگی وجود ندارد که نکرده باشد؛ هر کاری توانسته‌اند تا امروز انجام داده‌اند. دشمنی آنها با «انقلاب» بود و هست؛ دشمنی آنها با مردمی است که این انقلاب را پذیرفته‌اند و قبول کرده‌اند. این غلط است که بعضی این جور وانمود کنند که دشمنی آمریکا و رژیم مستکبر با اشخاص است - با امام دشمن بودند یا امروز با علی خامنه‌ای دشمنند - این جور نیست؛ دشمنی آنها با اصل این مفهوم است، با اصل این حرکت است، با اصل این جهت‌گیری توأم با ایستادگی و استقلال‌طلبی و عزت‌طلبی است و با ملتی که اینها را پذیرفته است و دارد عمل میکند؛ دشمنی با اینها است. و این دشمنی، آن روز بوده است، امروز هم هست و ادامه دارد. ملتی که پای این حرف ایستاد در طول این سالهای متمادی و مشکلات آن را تحمل کرد، برایشان مبعوض است. بعضی از سیاستمداران آمریکایی خطا کردند و در لفظ هم همین را گفتند؛ در این چند سال گذشته از دهنشان در رفت، تصریح کردند که با ملت ایران دشمنند؛ با ملت ایران مخالفند؛ امروز هم هر حرکتی از سوی آمریکایی‌ها و هم‌پیمانانشان و همراهانشان انجام میگیرد، برای به زانو درآوردن ملت ایران است؛ برای تحقیر ملت ایران است. البته دچار خطایند؛ دچار اشتباه در تحلیلند؛ این یک واقعیتی است که آمریکایی‌ها در تحلیل حوادث این منطقه و به‌طور خاص تحلیل حوادث کشور عزیز ما دچار خطایند؛ دچار اشتباه‌های راهبردی هستند؛ همین خطاها هم هست که به آنها دارد مرتباً صدمه میزند، ضربه میزند و ناکامشان میکند؛ خطای محاسباتی دارند.

[یک] مسئول آمریکایی (۲) همین چند روز قبل از این میگوید که ایرانی‌ها گیر افتاده‌اند؛ ایرانی‌ها در قضایای هسته‌ای، با دست بسته پشت میز مذاکره حاضر میشوند. خب، این خطای محاسباتی است؛ ایرانی‌ها گیر نیفتاده‌اند، حالا شما در بیست و دوّم بهمن ان‌شاءالله خواهید دید ملت ایران چه خواهد کرد و چه حضوری خواهد داشت؛ آن وقت معلوم میشود که آیا دست ملت ایران بسته است؟ دست ملت ایران بسته نیست و این را در عمل نشان داده‌است و بعد از این هم نشان خواهد داد؛ مسئولین هم همین جور؛ مسئولین کشور هم ان‌شاءالله با ابتکارات خودشان، با شجاعت خودشان نشان خواهند داد که دست ملت ایران بسته نیست. او تصوّر میکند که ایران را در سه کنج گیر انداخته! میگوید پشت ایرانی‌ها به دیوار رسیده است! نه آقا، اشتباه میکنید! شما هستید که دچار مشکلید. همه‌ی واقعیت‌های منطقه‌ی ما نشان‌دهنده‌ی این است که آمریکا در اهداف خود در این منطقه و در بیرون این منطقه شکست خورده است. آمریکا در سوریه شکست خورد، آمریکا در عراق شکست خورد، آمریکا در لبنان شکست خورد، آمریکا در قضیه‌ی فلسطین شکست خورده است، آمریکا در غزه شکست خورده است، آمریکا در تسلط بر مسائل افغانستان و پاکستان شکست خورده است، در بین آن ملتها منفور است؛ در خارج از این منطقه هم همین طور است؛ آمریکا در اوکراین شکست خورده است؛ شما هستید که دچار شکست شدید؛ سالهای متمادی است شکست پشت سر شکست!

جمهوری اسلامی پیش رفته است. امروز جمهوری اسلامی با نظام جمهوری اسلامی در ۳۵ سال قبل، قابل مقایسه



نیست. تراکم تجربه‌ها، تراکم کارها، پیشرفتهای فراوان، نفوذ عظیم منطقه‌ای، رسوخ مبانی انقلاب در اعماق دل‌های جوانان این کشور؛ اینها چیزهای کوچکی است؟ این حوادث وجود دارد؛ اینها حقایقی است. در مورد مسائل گوناگون دچار همین خطای محاسباتی هستند. به فضل پروردگار، با همت مردم، با همت شما جوانها در همه جای کشور، در همه‌ی بخشهای گوناگون دیگر هم شبیه همین فعالیت‌هایی که فرماندهی محترم الان گفت که در نیروی هوایی انجام گرفته است، در یک سطح وسیعی، در همه‌ی دستگاه‌های کشور در حال انجام است؛ آن هم در حال تحریم، آن هم درحالی که دشمنان تحریم کرده‌اند؛ ما در علوم پیشرفت داریم، در فناوری پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون اجتماعی پیشرفت داریم، در مسائل گوناگون بین‌المللی پیشرفت داریم؛ تجربیات گوناگون، پی‌دپری برای جمهوری اسلامی یک ذخیره‌ی ارزشمند دارد به وجود می‌آورد. ما داریم جلو می‌رویم و پیشرفت میکنیم، علی‌رغم دشمن، به کوری چشم دشمن؛ آنها هستند که نتوانستند. آنها میخواستند این ریشه را قلع و قمع کنند، آنها حاضر نبودند نظام جمهوری اسلامی را تحمل کنند [اما] امروز مجبورند نظام جمهوری اسلامی را تحمل کنند. در مسائل گوناگون هم با طرق مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی - انواع و اقسام ترفندها - هر ضربه‌ای که بتوانند وارد میکنند لکن بی نتیجه است؛ جمهوری اسلامی، با قدرت در حال پیشرفت کردن است. حالا آنها مسئله‌ی هسته‌ای را به عنوان یک نمونه‌ای در دست گرفته‌اند و این جور وانمود میکنند که جمهوری اسلامی در قضیه‌ی هسته‌ای درمانده است؛ قضیه این جور نیست.

من همین جا این را بگویم: اولاً بنده با توافقی که بتواند انجام بگیرد موافقم؛ البته توافق بد نه. آمریکایی‌ها مکرر تکرار میکنند و میگویند «ما معتقدیم که توافق نکردن، بهتر از توافق بد کردن است»؛ بله، ما هم همین عقیده را داریم؛ ما هم معتقدیم که توافق نکردن، بهتر است از توافق بد، توافقی که به ضرر منافع ملی است، توافقی که موجب تحقیر ملت بزرگ و با عظمت ایران است.

ثانیا این را هم همه بدانند: مسئولین ما و هیئت مذاکره [کننده‌ی] ما و دولت ما همه‌ی تلاششان را دارند میکنند که حربه‌ی تحریم را از دست دشمن خارج کنند.

تلاش آنها برای این است که حربه‌ی تحریم را از دست این دشمن غدار بیرون بیاورند. البته اگر نتوانستند چه بهتر [اما] اگر نتوانستند همه بدانند، هم دشمنان ما بدانند، هم دوستان ما در دنیا بدانند، در داخل راهکارهای فراوانی وجود دارد که حربه‌ی دشمن را کند میکند. این جور نیست که تصور کنیم حربه‌ی تحریم، بلاشک یک حربه‌ی کاری است؛ نخیر، ما اگر همت کنیم، ما اگر به داشته‌های خودمان درست توجه کنیم - که خب این روحیه بحمدالله هست - میتوان حربه‌ی تحریم را کند کرد، ولو از دست دشمن نتوان خارج کرد.

ثالثا در این قضیه، یک نکته‌ی خوبی را رئیس‌جمهور محترم، چندی پیش در یک سخنرانی‌ای برزبان آوردند و آن اینکه مذاکره معنایش این است که دو طرف سعی کنند به نقطه‌ی مشترک برسند؛ (۳) خب این معنایش این است که یک طرف نخواهد همه‌ی آنچه را مورد علاقه‌ی او و مورد توقع او است تحقق پیدا کند. آمریکایی‌ها این جورند. آمریکایی‌ها و چند کشور اروپایی - که مثل بچه‌ی دنبال آمریکا در حرکتند و واقعا اشتباه هم دارند میکنند، دچار یک اشتباه راهبردی هستند این کشورهای اروپایی تابع آمریکا - با پرتوقعی تمام، حرفشان این است که همان‌چه آنها میخواهند، با همان خصوصیات که آنها میخواهند بایستی تحقق پیدا کند؛ خب این غلط است، این راه مذاکره نیست. طرف ایرانی، برخی از کارهایی که میتوانست او را به توافق نزدیک کند انجام داده است. کارهای متعددی را انجام داده: گسترش و توسعه‌ی ماشین‌های غنی‌سازی را متوقف کرده، خب این را لازم دانستند که یک برهه‌ای متوقف کنند؛ تولید اورانیوم بیست درصد را - که یک کار بسیار بزرگی است رسیدن به دانش و فناوری بیست درصد، کار بسیار بزرگی بود؛ این را کسانی که اهل فتند میدانند که رسیدن از پنج درصد به بیست درصد، اهمیتش خیلی بیشتر است از رسیدن از بیست درصد به بالا؛ این کار بزرگ را جوانان ما و فتاوران متعهد ما انجام دادند - متوقف



کردند، اقتضای مذاکره این بود که متوقف بکنند؛ کارخانه‌ی اراک را که یکی از کارهای بسیار بزرگ و مهم فناوری و یک هنر بزرگ فناوری است، فعلاً متوقف کرده‌اند؛ فردو را که یکی از برترین ابتکارهایی است که نیروهای ما و عناصر داخلی ما آن را برای امنیت دستگاه‌های سانتریفیوژ ما توانستند تأمین بکنند و تضمین بکنند، فعلاً متوقف کرده‌اند. این همه کارهای بزرگ انجام داده‌اند، طرف ایرانی بنابراین منطقی عمل کرده است، طبق منطق مذاکره عمل کرده است؛ طرف مقابل زیاده‌خواهی میکند، پروپی میکند، باج‌خواهی میکند؛ خب مسئولین ما اگر چنانچه در این زمینه‌ها ایستادگی نشان بدهند، حق با آنها است، کسی نباید آنها را ملامت بکند، باید ایستادگی به خرج بدهند و دارند به خرج میدهند، ایستادگی به خرج میدهند. یعنی جمهوری اسلامی از آغاز و در مسائل گوناگون، با منطق حرکت کرد؛ ما در جنگ تحمیلی، منطق را مبنای کار خودمان قرار دادیم؛ در قبول قطعنامه، منطقی عمل کردیم؛ در قضایای گوناگونی که بعد از جنگ تا امروز وجود داشته است، همه جا بر اساس منطق و استدلال عمل کردیم؛ هیچ کجا جمهوری اسلامی بی‌منطقی نشان نداده است؛ در این قضیه هم با منطق دارد حرکت میکند. منتها طرف مقابل منطق سرش نمیشود؛ طرف مقابل هم به بی‌منطقی با تکیه‌ی بر زور - خود آنها هم میگویند که ما توانسته‌ایم ایران را وادار کنیم که دستگاه‌های هسته‌ای را گسترش ندهد، فلان چیز را متوقف کند، فلان چیز را تعطیل کند؛ راست میگویند، این کارها را جمهوری اسلامی بر طبق منطق مذاکرات انجام داده است - اقرار میکند؛ منتها زیاده‌خواهی میکنند. خب، ملت ایران زیر بار زیاده‌خواهی و زورگویی نخواهد رفت.

ما با پیشرفت این کاری که مسئولین دولتی ما شروع کرده‌اند و تلاش هم دارند میکنند - واقعا دارند تلاش میکنند و وقت میگذارند و نیرو صرف میکنند - موافقیم؛ به یک توافق خوب هم اگر برسد موافقیم. بنده هم موافقم، مطمئنم که ملت ایران هم آن توافقی را که در آن عزت او محفوظ بماند، احترامش محفوظ بماند، منافعش حفظ بشود، مخالفتی ندارد، موافقت خواهد کرد؛ منتها باید این خصوصیات، بلاشک ملاحظه بشود؛ باید تکریم و حرمت ملت ایران و مسئله‌ی اساسی مهمی که عبارت است از پیشرفت ملت ایران، محفوظ بشود و محفوظ بماند. ملت ایران عادت نکرده است که به زورگویی دشمنان گوش فرا بدهد و تسلیم زورگویی و باج‌خواهی بشود؛ آن طرف هرکه باشد، آمریکا باشد [یا دیگران]. یک‌روزی آمریکا و شوروی سابق، در مقابل جمهوری اسلامی دست به دست هم داده بودند و با همه‌ی اختلافاتی که داشتند، زور میگفتند؛ جمهوری اسلامی زیر بار زور آنها نرفت، جمهوری اسلامی پیروز شد، جمهوری اسلامی موفق شد؛ امروز هم همین‌جور خواهد بود. امروز هم ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، زیر بار زور نخواهد رفت.

این حرفی هم که حالا انسان می‌شنود که میگویند که «در یک برهه‌ای درباره‌ی اصول کلی توافق کنیم، بعد درباره‌ی جزئیات»، این را هم بنده نمی‌پسندم؛ این را من نمی‌پسندم. با تجربه‌ای که از رفتارهای طرف مقابل داریم، احساس میکنم که این وسیله‌ای خواهد شد برای بهانه‌گیری‌های پی‌درپی برسر جزئیات. اگر توافق میکنند، جزئیات و کلیات و همه را در یک جلسه‌ی واحد تمام بکنند، امضا کنند. اینکه کلیات را جداگانه توافق کنند، و بعد بر اساس آن کلیات - که یک چیزهای مبهمی است، تفسیرپذیر است، تحلیل‌پذیر است - بروند سراغ جزئیات، نه، این منطقی نیست. همه‌ی آنچه هم قرارداد بسته میشود بین مسئولین ما و بین طرف مقابل، باید روشن، واضح، غیر قابل تفسیر و تأویل باشد. این‌جور نباشد که طرف مقابل - که با دبه‌کردن و چک‌وچانه‌زدن، کار خود را پیش میبرد - بتواند باز سر قضایای گوناگون، بهانه‌گیری کند، دبه در بیاورد، کارها را مشکل بکند؛ نه، همه‌ی اینها برای این است که سلاح و حربی تحریم از دست دشمن خارج بشود، تحریم برداشته بشود؛ توافق به این صورت [بشود]؛ والا اگر چنانچه در این زمینه به توفیق نرسیدند، ملت ایران و مسئولین و دولت محترم و دیگران، راه‌های فراوانی دارند و یقیناً باید آن راه‌ها را طی کنند برای اینکه بتوانند حربی تحریم را بی‌اثر کنند و کند کنند.



ان شاء الله در بیست و دوّم بهمن، ملت ایران نشان خواهد داد که کسی که ملت ایران را بخواهد تحقیر کند، با ضربه‌ی متقابل ملت ایران مواجه خواهد شد. همه‌ی ملت ایران، همه‌ی دلسوزان، در این جهت متفقند که عزّت ملّی برای یک کشور، بسیار بسیار مهم است. اگر عزّت بود، امنیت هم خواهد آمد؛ اگر امنیت بود، پیشرفت هم عملی خواهد بود؛ والا اگر یک ملت تحقیر شد، همه چیز او به بازی گرفته خواهد شد؛ حتی امنیت او، حتی ثروت او، و همه چیز او. عزّت ملّی بایستی محفوظ بماند و مسئولین این را میدانند و ملت ایران ان شاء الله در بیست و دوّم بهمن با حضور خود، با نشان دادن اقتدار خود، با نشان دادن عزم راسخ خود، ان شاء الله دشمن را به زانو درخواهد آورد. پروردگارا! همه‌ی ملت ایران را مشمول الطاف و برکات خود قرار بده؛ همه‌ی ما را مشمول هدایتهای خود قرار بده؛ پروردگارا! شهدای عزیز دوران جنگ تحمیلی و قبل از آن و بعد از آن و همه‌ی شهدای نیروهای مسلح و شهدای نیروی هوایی را با پیغمبر محشور بفرما؛ امام بزرگوار ما را - که سلسله‌جنبان این حرکت مبارک، آن مرد بزرگ بود - با پیغمبر محشور کن.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

(۱) قبل از شروع بیانات معظم‌له، امیر سرتیپ خلبان حسن شاه‌صفی (فرماندهی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران) گزارشی ارائه کرد.

(۲) دیوید کوهن

(۳) سخنرانی در جمع مردم استان زنجان ۱۳۹۳/۰۷/۲۹